**( 26 )**

**هو السامع من افقه الاعلی**

حمد مقدس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت مقصودیرا لایق و سزاست که از قلم اعلی کوثر بقا جاری فرمود و از قطره ان مقبلین را حیات ابدی عطا نمود و این قطره در مقام اول و رتبه اولی بهیئت نقطه ظاهر و از او علوم اولین و آخرین را از عالم غیب بعرصه شهود آورد و چون خدمتش مقبول افتاد بحرف با مؤآنس گشت و باو علم انه لا اله الا هو مرتفع و رایت نصر و ظفر منصوب اوست مقتدری که اراده‌اش را قدرت کائنات و قوت ممکنات منع ننماید طوبی از برای نفوسیکه از سلسبیل کلمه یفعل ما یشآء نوشیدند و خود را از عالم و عالمیان فارغ و آزاد مشاهده نمودند انک اذا سمعت صریر قلمی الاعلی و شربت رحیق الوحی من کأس عطآء مولی الوری قل

سبحانک یا مولی الاسمآء و فاطر السمآء اشهد بوحدانیتک و فردانیتک و بعظمتک و اقتدارک اسئلک بسراج امرک الذی به نورت العالم و باسمک الاعظم الذی به هدیت الامم ان تجعلنی فی کل الاحوال ناطقا بثنآئک و قآئما علی خدمة اولیآئک و متمسکا بحبلک ای رب تری اقبالی الی افقک و توجهی الی انوار وجهک اسئلک ان لا تجعلنی محروما عما کتبته لاصفیآئک الذین ما منعتهم سیوف الاعدآء عن الاقبال الی افقک الاعلی و لا ضوضآء العلمآء عن ذکرک یا مالک العرش و الثری و رب الآخرة و الاولی ای رب تری العاصی اراد بحر غفرانک و عفوک اسئلک بکرمک الذی احاط علی العالم ان تغفر جریراتی و خطیئآتی و قدر لی ما یجعلنی مستقیما علی امرک بحیث لا یمنعنی ظلم المعتدین و لا شبهات المریبین و لا اشارات الذین کفروا بیوم الدین ای رب لا تمنعنی عما اردت من سمآء فضلک نور ارکانی بجودک و رحمتک و قلبی بانوار نیر ظهورک انک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الا انت الغفور الکریم

نامه که بعبد حاضر ارسال نمودی نزد مظلوم مذکور عرف اقبال و ایمان از ان متضوع از حق میطلبیم از هر یک از احبای ان ارض ظاهر فرماید آنچه را که سبب هدایت خلق است و همچنین جاری نماید آنچه را که علت حیات اهل عالم است لیس هذا علی الله بعزیز در سلمان و اباذر تفکر نما که بعد از قبول بچه مقام فائز گشتند عنایتش تمار را از اخیار نمود و عدلش ابرار را از اشرار اینست معنی کلمه یجعل اسفلکم اعلیکم و اعلیکم اسفلکم در اصحاب عیسی بن مریم تفکر نما باخذ اعشار و سمک مشغول بودند و لکن از پرتو انوار نیر برهان بمقامی رسیدند که عالمرا صید نمودند چه که از خود و ما عندهم گذشتند و بما عند الله اقبال کردند و تمسک جستند اراده و مشیت خود را در مشیة الله محو و فانی نمودند و بخدمت قیام کردند قیامیکه سطوت یهود عنود و عبده اصنام ایشانرا از مالک ایجاد منع ننمود از حق میطلبیم کل را تأیید فرماید و حفظ نماید و لکن بعضی از اهل بیان باسبابیکه سبب تفریق و اختلاف است مشغول اصل را گذاشته‌اند و در فکر آنند عجلی یافت شود و بان تمسک نمایند و سبب فتنه اخری گردند باید کل از حق جل جلاله مسئلت نمایند آنچه را که سبب اعلاء کلمه و علت استقامت بر انست قلم اعلی ترا وصیت مینماید بآنچه سبب ابقا و ارتفاع است و دوستان ان ارض طرا را بحکمت امر نموده و مینماید لئلا یظهر منهم ما تضطرب به الافئدة و النفوس لا زال اولیای ان ارض تحت لحاظ بوده و هستند انا ذکرنا الذی صعد الی الله بذکر لا یتغیر عرفه و لا تنقطع نفحاته انها تکون باقیة ببقآء الملک و الملکوت یشهد بذلک مالک الجبروت اذ استوی علی العرش بسلطان مبین الذی سمی بمحمد قبل علی فی کتاب الاسمآء علیه بهآء الله و بهآء من فی السموات و الارضین انا طهرناه عما لا ینبغی و رفعناه الی مقام عجزت عن ذکره الاقلام و نذکر ابنک الذی سمی بمحمد قبل حسن و ذکرناه بما نزل له فی هذا الحین امطار رحمة ربه الغفور الکریم

یا رفیع امروز کلمة الله از صد اولاد افضل بوده و هست جهد نمائید برضای دوست فائز شوید و ظاهر شود از شما آنچه که ذکرش در کتاب الهی مخلد گردد اینست اولاد حقیقی و قره عین حقیقی و ذریه حقیقی کذلک نطق المظلوم اذ احاطت به الاحزان بما اکتسبت ایدی الظالمین یا اهل البهآء لا تحزنوا من شیء الا فیما ورد علینا من جنود الغافلین انا صبرنا فی البأسآء و الضرآء و امرنا اهل البهآء بالصبر الجمیل

ام طفل را ذکر مینمائیم و بشارت میدهیم بآنچه که در این لیله نازل شده البهآء من لدنا علی الذین اخذوا کأس البقآء باسمی الابهی و شربوا منها رغما لکل غافل بعید و کل عالم مریب